

خود را به زندگی ما این‌گونه تابانید تا در دامان پر از محبت و دوستی‌های بی‌حدوحساب ما، فرزندان از جنس گل‌های پاک و زیبای بهاری، سر از غنچه‌ی تولد برآورند و کانون زندگی سراسر شادی ما را رنگ و حلاوتی دیگر ببخشند.

در مقوله‌ی تربیت فرزندان و چگونگی مواجهه‌شدن با ریزه‌کاری‌های تربیتی آنان که شاید بتوان گفت مهم‌ترین و حساس‌ترین بخش زندگی فردی و اجتماعی هرکسی را تشکیل می‌دهد، کتاب‌های بی‌شماری با نگاه کارشناسانه و روان‌شناسانه، نگاشته شده و از این‌جا به بعد نیز با توجه به مشکلاتی که در سایه‌ی زندگی‌های مدرن امروز، هر روز به شکل و نوع جدیدی سر برمی‌آورند، نگاشته خواهد شد. وارد شدن به روش‌ها و اصول درست تربیت و روان‌کاوی این گروه مهم اجتماعی، علم خاص و پژوهش‌های گاه چندین و چندساله می‌خواهد. در این مقاله، سعی شده با ورود به حوزه‌ی خانواده از بعد تربیتی، تنها و تنها به معنای عام، نگاهی از رنگ دیگر داشته باشیم.

یادمان نرفته چهره‌ی خسته و نگران مادر که با نگاهی میخ‌کوب‌شده، به مسیری که هر روز از همان راه، پایان‌بخش نگرانی‌های او می‌شدیم، سلامتی ما را می‌جست و آرامش خویش را اما این روزها، نگاه‌ها اگر هم نگران است، نگران مشکلات عجیب‌وغریبی است که دیگر از این‌که چنددقیقه دیرآمدن، کل مشکل باشد، پا را فراتر نهاده و وارد مسائلی گاه پیچیده و در نوع خود مدرن شده است.

پیشرفت سرسام‌آور بشر امروز که با عطشی تمام‌ناشدنی در پی آزمودن ناشناخته‌های عالم هستی است، با خود، مشکلات مدرن و پیشرفته هم همراه آورده است که گاه کنترل آن، عزم جهانی می‌طلبد. گویی مشکلات و معضلات اجتماع بشر امروز، هم‌پایه با پیشرفت در تمام سطوح، گاه با سرعتی بیش از توسعه و مدرنیزه‌شدن، در جهت عکس پیشرفت‌های علمی، در حال رشد و بالندگی است. امروزه مشکل اصلی پدران و مادران، پنهان و بی‌سروصدا بودن مشکلات می‌باشد یعنی مشکل، دیر آمدن نیست که بتوان آن را به‌آسانی حل کرد، مشکل حتی با به‌موقع آمدن هم وجود دارد. گاه این مشکلات آن‌قدر پیشرفت کرده که به‌موقع آمدن هم اگر مدیریت و مراقبت نشود، خود ایجاد مشکل می‌نماید. نفوذ روزافزون وسایل ارتباط جمعی، تب تلفن همراه و استفاده‌ی نابه‌جا از تکنولوژی، همه و همه مشکلاتی گاه غیرقابل حل است که توان مقابله با آن در اثر غفلتی اندک، غیرممکن و ناشدنی می‌گردد.

سریال‌های تلویزیونی که گاه خیابان‌ها را خلوت می‌کند، خانواده را چنددقیقه‌ای دور هم می‌نشانند، تا این‌جا هیچ مسأله‌ی نگران‌کننده‌ای نیست اما آیا این مادر نگران و آن پدر بی‌خیال، برای دیدن سریال‌ها، مدیریتی دارند یا نه؟

«پسر شش‌ساله‌ای فقط و فقط برای این‌که در جایی مهمان بوده‌اند و او نتوانسته فلان سریال را آن هم ساعت ۱۱ شب ببیند، بنای ناسازگاری و قهر گذاشت و انواع و اقسام بدقلقی را نسبت به والدین خود بروز داد؛ اعتراض من، یک جواب دندان‌شکن داشت: دل بچه‌های ما، به همین چند برنامه‌ی تلویزیون خوش است...» حال برای این مادر و پدر، ساعت خواب کودک خردسال شش‌ساله، نوع و میزان نگاه کردن به تلویزیون، مفید یا غیرمفید بودن برنامه‌ای که دیده می‌شود، میزان

این روزها، خسته‌ایم، حوصله نداریم، سردردهای گاه و بی‌گاه، تنش‌های خواسته و ناخواسته و منظم بودن‌ها آزارمان می‌دهد، خلاصه‌ی کلام، کلافه‌ایم. تا همین دیروز، فرزندان خردسال و متکی به خانواده بودیم که قدکشیدیم و به اصطلاح خودمان، بزرگ شده‌ایم، به جریان سیال و قانونمند زندگی، صمیمانه تن داده‌ایم و مهر و مهربانی، خانه‌ی دل مهرپذیرمان را به قدم از گل زیباترش، مصفا کرد پس آداب و رسوم را ارج نهاده، زندگی را از دیدگاهی دیگر شروع کردیم و آن‌چه را یادگرفته بودیم، به کار بستیم تا راه سبز و روشنی پیش روی خود و آنانی که با ما در این راه همراه هستند، بگسترانیم و حکایت امروز با دیروز فاصله دارد. لطف خدای بخشی از تابش

# مادر نگران، پدر بی‌خیال



## در مسیر عشق

لحظه‌ای چشمانت را برهم بگذار و خود را نشسته بر بال‌های سپید ابرهای آسمان آبی سعادت و خوشبختی، به تصویر بکش. آیا احساس شعف و شادمانی آن، رضایت‌بخش نیست؟

لحظه‌ای گوش‌هایت را به من بسپار تا آهنگ دلنشین جویبارهای روان به سوی اقیانوس نیک‌بختی را در آن‌ها زمزمه کنم. آیا آرامش و سکون، وجود نازنینت را فرامی‌گیرد؟

لحظه‌ای گوش به صدای یکنواخت اما اطمینان‌بخش قلبت بسپار که با هر تپش، مژده‌ی دمی دیگر و استمرار زندگی را می‌دهد. آیا نفس کشیدن در هوای پاک عاری از کینه و عداوت، لذت‌بخش نیست؟

حال چشمانت را بگشای، گوش‌هایت را تیز کن و هم‌چنان که به زیبایی‌های زندگی می‌نگری، اجازه بده تا قلبت در گوش‌های شنوایت، ترانه‌ی عشق را با صدای فرشتگان نویدبخش بهار و شکفتن، زمزمه کند.

آه که این‌گونه زندگی، چه قدر مفرح و شادی‌بخش است.



عبدالحمید پوراسد

تأثیرگذاری منفی و مثبت برنامه در شکل‌گیری اخلاق و رفتار کودک و هزار مسأله‌ی کوچک و بزرگ دیگر، هیچ نقشی ندارد؛ فقط و فقط آرامش‌داشتن کودک و ساکت و آرام نشستن او برای رهایی از بار مسؤولیت تربیتی خانواده، کفایت می‌کند!

از این دست، هزاران مثال می‌توان مطرح کرد: خرید وسایل تفریحی و حتی آموزشی بدون در نظر گرفتن نیاز و زمان مناسب وجود آن، خرید وسایل غیر ضروری و گاه خطر آفرین از دید تربیتی مانند تلفن همراه و رایانه، به همراه داشتن فرزند در مکان‌هایی که برایش با توجه به موقعیت سنی، حتی می‌تواند مضر هم باشد، شرکت کردن در هر نوع مهمانی با هر نوع ترکیب حاضران، کشاندن بحث و جدل‌های گاه پیش‌پاافتاده به محیط منزل و ایجاد محیطی پرتنش و گاه عصبی، ترتیب اثر ندادن به اعتراض‌های گاه به‌حق و به‌جای گل‌های باغ زندگی، توجه بیش‌ازحد به فرعیات و دور شدن از مسائل اصلی، وسیله و بهانه قراردادن کودکان برای به کرسی نشاندن نظرات شخصی پدر و مادر و هزاران مورد از این قبیل، از کودک آرام و سر به زیر امروز ما، فردی عصبان‌گر، پر خاش‌جو، کم‌حوصله، بی‌نظم و بدتر از تمامی این موارد، اجتماع‌گریز فردا به‌وجود می‌آورد. نگران بودن مادر گاه به همان اندازه مضر است که بی‌خیال بودن پدر.

بحث، جدی‌تر از آن است که با انجام چند عمل پیش‌پاافتاده، وظیفه‌ی خود را پایان یافته تلقی نماییم و سر در لاک بی‌خبری فروبریم. نگرانی مادر، به‌تنهایی حلال مشکلات نیست و متهم کردن پدر به بی‌خیالی هم باری از دوش خسته‌ی مادران برنخواهد داشت. مدیریت، تنها و تنها در خرج و مخارج و تعیین روز و میزان خرید و دیگر مسائل نیست؛ زندگی، مدیریت چندسویه می‌خواهد که با محور قرار گرفتن هر یک از والدین، دیگری باید چنان سربازی مسؤولیت‌پذیر، قدم در راه بهبود و پاسداری از حریم امن زندگی و محیط مقدس خانه بگذارد.

این روزها نگران بودن، هیچ کمکی به حل مسائل نمی‌کند. شاید نگرانی، جرقه‌ای کوچک باشد آن هم در صورتی که مدیریت شده باشد. بی‌خیال بودن هم که پیشاپیش تکلیف روشنی دارد. وقتی نگرانی به هر شکل نتواند حلال حتی گوشه‌ای از مشکلات باشد، بی‌خیال بودن، نارنجکی ضامن کشیده است که هر آن می‌تواند انفجاری ویران‌کننده در پی داشته باشد.

مادر خوب و پدر مهربان، باید ابتدا تکلیف‌شان را با خودشان روشن کنند، تقسیم وظایف نمایند و با مدیریتی عاطفی و درایتی مثال‌زدنی، حریم خانه و خانواده را از بروز هرگونه مشکلی مصون بدارند.

مادر نگران! پدر بی‌خیال! کمی ببیندیشیم، حال که همه‌جا صحبت از تقدم پیش‌گیری بر درمان است، مشکل را قبل از آمدن حل کنیم. آری، حل کنیم. خوش‌خیالی است اگر خواسته باشیم راه نفوذ مشکل را به هر شکل و رنگی سد کنیم. بیاییم دست در دست هم دهیم و مشکل را قبل از بروز و وقوع، حل کنیم.



رضا بردستانی

Rezabardestani50@hotmail.com



تکرار، مادر مهارت‌هاست. «دیل کارنگی»